

مسئولیت بین المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی (مطالعه تطبیقی حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بین الملل کیفری)

سید باقر میرعباسی^{۱*}، محمدرضا رضائی^۲

۱. استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

چکیده

مخاصمات مسلحانه به هر عنوان و در هر کجای این کره خاکی که روی دهد، پیامدهای گوناگونی در پی دارد که یکی از عمده‌ترین آنها، تخریب و ایراد صدمه به محیط زیست است که در راستای صیانت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، قواعدی برای حمایت از محیط زیست در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل تدوین شده و اصول و قواعد مسئولیت بین‌المللی دولتها ناشی از تخریب محیط زیست در مخاصمات و الزام آنها به جبران خسارات وارده تبیین شده است. این حوزه‌ها در حال حاضر به‌طور کلی تابع قواعد کلی مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی هستند که با توجه به پیشرفت چشمگیر حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری در دهه‌های اخیر تدوین قواعد مسئولیت بین-

المللی خاص در جهت حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی لازم و ضروری است. در این مقاله تلاش شده با تحلیل قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل کیفری، حدود و آثار مسئولیت دولتها ناشی از نقض مذکور بررسی شود. شناسایی چالش‌ها و پیچیدگی‌های مرتبط با تعیین مسئولیت بین‌المللی دولتها در این رابطه از دیگر دستاوردهای این پژوهش است.

واژگان کلیدی: تخریب محیط زیست، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل محیط زیست، مسئولیت بین‌المللی دولتها، حقوق بین‌الملل کیفری

۱. مقدمه

دغدغه‌های عمومی در خصوص هدف قرار دادن و تخریب محیط زیست در زمان جنگ، نخستین بار در زمان جنگ ویتنام مطرح شد. در آن هنگام استفاده از علف‌کشی موسوم به «عامل نارنجی» که جنگل‌زدایی و آلودگی شیمیایی گسترده‌ای را به دنبال داشت جامعه بین‌المللی را به انعقاد دو سند حقوقی جدید سوق داد. نخست، کنوانسیون تغییر محیط زیست که در سال ۱۹۷۶ به منظور مقابله با استفاده از روش‌های تغییر محیط زیست «به عنوان یک روش جنگی» به تصویب رسید و یک سال پس از آن نیز پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو تصویب شد؛ به موجب مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل مزبور هرگونه روش جنگی که «موجب خسارات گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی گردد» ممنوع است. با وجود این، کافی بودن این دو سند در زمان جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) به چالش کشیده شد. آلودگی شدید حاصل از تخریب بیش از ۶۰۰ چاه نفت کویت توسط نیروهای ارتش عراق و متعاقباً اعلام ۵ میلیون دلار خسارت زیست محیطی، نیاز به تقویت سازوکارهای حمایت از محیط زیست (به عنوان میراث مشترک بشریت) در زمان مخاصمات مسلحانه را نمایان‌تر ساخت. (United Nations Environment Programme, 2009, p.8)



جامعه جهانی به دنبال آن است که به کمک قواعد الزام‌آور، آسیب‌های وارده بر محیط زیست بشری (که امروزه با توجه به تکنولوژی‌های به کار رفته پیشرفته در جنگ‌افزارهای نظامی خسارات شدیدی به آنها وارد می‌شود) را در خلال درگیری‌های مسلحانه به حداقل ممکن برساند.

۲. تعهدات زیست محیطی دولتها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

جنگ عبارت از نبرد مسلحانه بین دو یا چند دولت بدون محدودیت در زمان و مکان است. با توسل به جنگ هر یک از طرفین می‌خواهد از طریق استفاده از زور اراده خود را بر دیگری تحمیل کند. در زمان وقوع جنگ، بسیاری از قواعد مربوط به زمان صلح کاربرد خود را از دست می‌دهند و حقوق جنگ جایگزین آنها می‌شود (بختیاری اصل، ۱۳۷۶، ص ۶۱). حقوق جنگ یا حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در صدد کاهش و محدودیت این آثار و تبعات است. یکی از آثار تبعی جنگ تخریب محیط زیست است، حقوق جنگ این مقوله را اغلب در راستای حمایت از جمعیت غیر نظامی و به جهت حفظ حیات آنها مورد توجه قرار می‌دهد. برخی از مقررات مندرج در پروتکل شماره یک راجع به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی سال ۱۹۷۷ میلادی^۱ از این نوع است؛ بنابراین خسارات زیست‌محیطی در مواردی که بر جمعیت غیر نظامی اثر می‌گذارد تحت شرایط خاص می‌تواند ممنوع باشد. به‌زعم کمیسیون حقوق بین‌الملل، عبارت «خسارت گسترده، بلند مدت و شدید، دامنه یا شدت خسارت، ماندگاری آن در زمان و وسعت منطقه جغرافیایی متأثر از خسارت را نشان می‌دهد».

۱. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I).1977.

از منظر کمیسیون، واژه بلند مدت به معنی ویژگی ماندگار تأثیرات و نه بلند مدت بودن آن است. حقوق جنگ همچنین محیط زیست را به طور مستقیم مورد حمایت قرار می‌دهد. از جمله می‌توان به مواد ۳۵^۱ و ۲۵۵ پروتکل مذکور اشاره کرد. در هر حال جنگ از دو طریق بر محیط‌زیست اثر گذار است: ابتدا، اثرات جانبی استفاده از سلاح‌های مدرن، اعم از متعارف و غیرمتعارف بر محیط زیست و دوم این که، به کار گرفتن عامدانه پدیده‌های طبیعی به‌عنوان اهداف خصمانه. از این رو تعهدات مطروحه در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی راجع به عدم استفاده از چنین سلاح‌هایی در حال حاضر دارای یک جنبه زیست‌محیطی نیز هست. همراه با پیشرفت علم و تکنولوژی امکان استفاده از ارگانیسم‌های بیولوژیکی نیز در دهه‌های اخیر در مخاصمات مسلحانه به وجود آمده است (Hylan, 2012, p.27). این نوع سلاح‌ها نیز اثرات تخریب جدی بر سلامت و محیط زیست انسان‌ها در طول نسل‌های متمادی خواهند داشت.^۳ در رابطه با حالت دوم یعنی استفاده نظامی از پدیده‌های طبیعی،

۱. ماده ۳۵: قواعد اساسی

۱) حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی در هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست.
۲) به‌کاربردن سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها و مواد و شیوه‌های جنگی از نوعی که منجر به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری می‌شود، ممنوع است.
۳) به‌کاربردن شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آن وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و درازمدت بر محیط‌زیست طبیعی باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است.

۲. ماده ۵۵: حفاظت از محیط زیست طبیعی

۱) در هنگام جنگ باید مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، درازمدت و شدید، حفاظت به عمل آید. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند.
۲) حمله به محیط زیست طبیعی به‌عنوان اقدام تلافی‌جویانه ممنوع است.
۳) در این زمینه باید اصطلاحی تحت عنوان جنگ بیولوژیکی را این گونه تعریف نمود. استفاده نظامی از ارگانیسم‌های زنده با فراورده‌های آنها برای مرگ، ناتوانی یا خسارت به انسان، حیوانات اهلی یا غلات برای مثال نیروی نظامی انگلستان در سال ۱۹۴۶ میلادی عامل سیاه زخم را در جزیره گروینارد (Gruinard) آزمایش کرد.

تعدیلات مصنوعی آب و هوا، تغییرات بارندگی از طریق روش‌هایی نظیر بارور کردن ابرها، ایجاد زمین لرزه‌های مصنوعی و ایجاد امواج کشنده، انحراف طوفان‌های گردبادی و تغییرات رعد و برق قابل ذکر است.

بررسی معاهدات مربوط به مخاصمات مسلحانه این نتیجه را به دست می‌دهد که مقررات این معاهدات از دو طریق حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه را در برابر عوامل تخریب کننده فوق مورد توجه قرار داده‌اند، ابتدا به طور مستقیم و صرفاً به جهت جلوگیری از تخریب شدید محیط زیست، محدودیت‌ها و تعهداتی را بر طرفین مخاصمات بار می‌کنند (همانند ماده ۵۵ پروتکل شماره یک). دوم این که به طور غیرمستقیم و به تبع حمایت از جمعیت غیر نظامی در مخاصمه مسلحانه حمایت از محیط زیست را نیز مورد توجه قرار داده است. این گونه مقررات را می‌توان بی‌شمار در حقوق مخاصمات مشاهده کرد.

ماده ۳۵ پروتکل شماره یک الحاقی اشعار می‌دارد: در هر مخاصمه مسلحانه حق طرفهای درگیر در انتخاب روش‌ها یا وسایل جنگ نامحدود نیست و به کارگیری سلاح‌ها، پرتاب شونده‌ها، ماده و روش‌های جنگ که به طور طبیعی موجب صدمه زائد یا رنج غیر ضروری شوند، ممنوع است. همچنین کاربرد روش‌ها با وسایل جنگی که هدف از آنها ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی است یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد کنند ممنوع است. در تفسیر این ماده باید گفت این اصل که هر سلاحی را نمی‌توان در جنگ به کار برد و طرف‌های درگیر در مخاصمه مسلحانه در کاربرد وسایل جنگی محدودیت دارند یکی از قواعد آمره است (ویس، ۱۳۸۰، ص ۸۴۷-۸۶۵ و ۸۵۶).

در پی آن این جزیره تاکنون غیر مسکونی است چرا که میکروارگانیزم مربوطه وارد اکوسیستم شده، رشد کرده و تبدیل به یکی از اجزاء ثابت آن شده است.

برای تشخیص این ممنوعیت کلی در حقوق بین‌الملل دو ضابطه وجود دارد ضابطه اول در مورد سلاح‌هایی است که دردهای زائد ایجاد می‌کنند که از بحث ما خارج است ضابطه دوم در مورد سلاح‌هایی است که خسارات زیست محیطی وارد می‌کنند. در بند سه هر روش یا وسیله جنگی که برای ایجاد خسارات مهم طرح‌ریزی شده یا ممکن است خسارات زیست محیطی به وجود آورد حتی اگر چنین خساراتی تصادفی باشد ممنوع است. معنی اصطلاحات خسارات گسترده، پایدار و شدید در بند سه مشخص نشده است. در این رابطه می‌توان به تفسیر ماده یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد ممنوعیت استفاده نظامی با هر نوع استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر محیط زیست که در سطرهای آتی به آن اشاره خواهد شد. ارجاع کرد.

دو ضابطه مطروحه در بیانیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۸۶ نیز اشاره شده است. در این بیانیه آمده است: تنها هدف طرفین رزمنده یا دولت‌ها در طول جنگ تضعیف نیروهای دشمن است، به این منظور کافی است که فقط بیشترین تعداد افراد از صحنه نبرد خارج شوند (, Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Petersburg, 1886, p.1-2) هدف فوق ایجاب می‌کند که استفاده از سلاح‌های خاصی ممنوع شود. براین اساس به طور مثال سلاح‌های انفجاری که بسیار بیش از نیازی است که برای خروج افراد دشمن از صحنه لازم است در صورت ایجاد آثار و به کارگیری بیش از حد ممنوع است.

همچنین ماده ۵۵ پروتکل شماره یک الحاقی در مورد تعهدات دولت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی بیان می‌کند: جنگ به نوعی اداره خواهد شد که محیط زیست طبیعی در مقابل خسارات گسترده، پایدار و شدید محفوظ بماند. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و وسایل جنگی است که برای ایجاد چنین خساراتی تعبیه شده است یا این که احتمال می‌رود که چنین آثاری داشته باشد و به این ترتیب سلامت مردم را به خطر اندازد. همچنین حملات علیه محیط زیست طبیعی به عنوان



اقدامات تلافی جویانه ممنوع است. (کنعانی، سیاه رستمی و حسین نژاد، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴).

لازم به ذکر است که نه تنها بند دو ماده ۵۵ حملات علیه محیط زیست طبیعی را به عنوان اقدامات تلافی جویانه ممنوع می‌کند، بلکه طبق کنوانسیون‌های متعدد دیگری مانند کنوانسیون لاهه در مورد جنگ زمینی در سالهای ۱۸۹۹^۱ و ۱۹۰۷ میلادی^۲، کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه در سال ۱۹۴۹ میلادی، کنوانسیون راجع به دارایی‌های فرهنگی در جنگ آذر سال ۱۹۵۴ میلادی و مواد دیگری از پروتکل شماره یک اعمال تلافی جویانه را در مواردی ممنوع اعلام کرده‌اند که این ممنوعیت‌ها خود دارای خصلت حفاظت زیست محیطی هستند.

همچنین ماده ۵۶ پروتکل شماره یک سدها، آب بندها، ایستگاه‌های ژنراتورهای الکتریکی اتمی و سایر ابنیه یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک را محافظت می‌کند. بر اساس این ماده حتی زمانی که ساختمان تأسیسات یک هدف نظامی است، چنانچه این امکان وجود داشته باشد که حمله به آن موجب آزاد شدن نیروهای خطرناک شود و عواقب وخیم و تلفات جمعیت غیر نظامی را در پی داشته باشد، این تأسیسات نباید مورد حمله قرار گیرد. در هر حال اصل حفاظت از چنین تأسیساتی علاوه بر حفاظت از جمعیت غیر نظامی به علت جلوگیری از خسارات اکولوژیکی ناشی از رهاسازی مواد خطرناک می‌تواند نوعی تعهد زیست محیطی دولت‌های طرف مخاصمه تفسیر شود. در کنار مقررات مطروحه در پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ میلادی، معاهده بین‌المللی در مورد ممنوعیت استفاده نظامی یا هر نوع استفاده

۱. Convention (II) with Respect to the Laws and Customs of War on Land" and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1889.
۲. Convention (IV) with Respect to the Laws and Customs of War on Land" and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 1907.
۳. "Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict".

خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر محیط زیست^۱، در زمینه تدوین قواعد حمایتی زیست‌محیطی در جریان مخاصمات مسلحانه حائز اهمیت است. این کنوانسیون هر تکنیک جنگی که برای تغییر از طریق به کار گرفتن عمدی پروسه‌های طبیعی حرکت، ترکیب با ساختمان زمین شامل زندگانی گیاهان و جانوران، لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر و یا فضای خارج جو استفاده می‌شود منع می‌کند. البته ممنوعیت این تکنیک-های تغییرات زیست محیطی در صورتی ممنوع است که آثار آنها گسترده پایدار و شدید باشد (ماده یک بند یک).^۲ البته این نکته قابل ذکر است که در حقوق مخاصمات مسلحانه، تأثیر زیست محیطی غیر عمدی ناشی از یک حمله غیر قانونی نخواهد بود بلکه این آثار باید عمدی یا لااقل قابل پیش‌بینی باشد.^۳

۳. تمایز اصطلاح مسؤولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه و مسؤولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال منع نشده در حقوق مسؤولیت بین‌المللی

۱. Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques , 1976.

۲. Article 1, Convention on the Prohibition of Military of Any Other hostile Use of Environmental Modification Techniques Available at: <http://www.opcw.org/html/db/cwc/more/enmod.html>.

۳. علاوه بر مقررات مذکور در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، بیانیه جهانی ریو در اصل ۲۲ بیان می‌دارد:

محیط زیست و منابع طبیعی تحت ستم، سلطه و اشغال باید حفاظت گردد. همچنین در اصل ۲۴ جنگ به ظور اجتناب ناپذیری محل توسعه پایدار است. کشورها در زمان درگیری مسلحانه باید قوانین بین‌المللی مربوط به حفظ محیط زیست در زمان جنگ را محترم بشمرند و پس از خاتمه جنگ در صورت لزوم در گسترش و بهبود این قوانین نیز همکاری کنند. اصل ۲۵ نیز در نهایت صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست را وابسته به یکدیگر و تفکیک ناپذیر عنوان می‌کند.



کمیسیون حقوق بین‌الملل مطالعه موضوع مسئولیت بین‌المللی را هم‌زمان و در دوشاخه کاملاً مجزی، مسئولیت دولت برای اعمال متخلفانه^۱ و مسئولیت بین‌المللی دولت برای خسارات ناشی از اعمال منع نشده^۲ در حقوق بین‌الملل، آغاز کرد و سرانجام دو پیش‌نویس با عناوین متفاوت در سال ۲۰۰۱ میلادی به تصویب رساند. دکترین مسئولیت بین‌المللی تفاوت این دو اصطلاح را این‌گونه بیان می‌کند که به طور کلی می‌توان دو شکل از مسئولیت برای دولت متصور شد: (الف) مسئولیت دولت در رابطه با نقض تعهدات بین‌المللی، که می‌توان آن را مسئولیت بر مبنای بر خطا عنوان کرد. این مسئولیت در دهه‌های اخیر از نقض وظیفه رعایت استانداردها ناشی می‌شود. (ب) و مسئولیت دولت برای آثار زیان‌بار فعالیت‌های قانونی که مفهومی جزئی‌تر و جدیدتر، است. شکل اول در قالب مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه و شکل دوم در قالب مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال منع نشده قابل طرح است (United Nations Environment Programme, 2009, p.1-393, at52).

مسئولیت بین‌المللی دولتها ناشی از تخریب محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه که حاوی نوعی ارتکاب فعل متخلفانه است در واقع همان نقض قواعد و اصول بین‌المللی محسوب و در قالب مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه مطرح می‌شود.

۴. قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در باب مسئولیت دولتها

ناشی از تخریب محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

در میان حقوقدانان بین‌المللی طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با انواع مسئولیت بین‌المللی دولتها وجود دارد. با این وجود بررسی اجمالی این طبقه‌بندی‌ها این نتیجه را به

1. State Responsibility.
2. State Liability.

دست می‌دهد که چنین تعددی تنها در حوزه الفاظ و اصطلاحات وجود دارد و حال آنکه مبنای همه آنها شرایط یکسان و همانا شرایط احراز مسئولیت دولت است. از این رو در این قسمت یعنی بررسی مسئولیت بین‌المللی در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست، متناسب‌ترین طبقه‌بندی به شرح ذیل انتخاب شده است.

در زمینه احراز مسئولیت بین‌المللی دولت بر مبنای عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی دو رویکرد در حقوق بین‌الملل وجود دارد، در اولین رویکرد صرف وقوع عمل تخطی‌آمیز برای احراز مسئولیت بین‌المللی دولت کافی نیست، بلکه چنین عملی باید بر مبنای قصد مجرمانه و یا غفلت و بی‌احتیاطی دولت مرتکب انجام گیرد.^۱

در رویکرد دوم صرف عمل تخطی‌آمیز و نقض حقوق بین‌الملل به تنهایی برای احراز مسئولیت کفایت می‌کند.^۲

در این قسمت این دو مفهوم تحت عنوان «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» و «مسئولیت مطلق» مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر

مسئولیت مبتنی بر عمل تخطی‌آمیز در معنای مضیق مفهوم عمد و یا غفلت را در بر دارد. در این مفهوم دولت زمانی مسئولیت بین‌المللی را متحمل می‌شود که در ارتکاب عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی سوء نیت داشته است و یا این عمل را از روی بی‌احتیاطی و غفلت انجام داده است در غیر این صورت و همچنین در صورتی که دولت زیان‌دیده نتواند عنصر عمد و یا غفلت را در ارتکاب عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی به اثبات برساند، دولت از مسئولیت مبری خواهد بود. این شق از مسئولیت مبتنی بر عمل تخطی‌آمیز

۱. Subjective Fault.

۲. Objective Fault.



در حقوق بین‌الملل تحت عنوان مسؤولیت مبتنی بر تقصیر و یا مسؤولیت ذهنی مورد شناسایی قرار می‌گیرد حقوقدانان بین‌المللی در پاسخ به این سؤال که آیا عنصر تقصیر یک عنصر لازم برای عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی و مسؤولیت دولت می‌باشد یا خیر، معتقد هستند با وجود نیاز به احراز عنصر تقصیر در مواردی نمی‌توان هیچ قاعده عرفی و یا اصل کلی حقوق بین‌الملل را یافت که بر ضرورت احراز چنین عنصری در دعاوی مربوط به مسؤولیت دولت‌ها تأکید کند. در پاسخ به سؤال فوق بایستی اذعان کرد هر مورد خاص را باید به مفاد و شرایط تعهد اولیه مربوطه ارجاع کرد. به اعتقاد حقوقدانان در صورتی که این تعهد اولیه هیچ شرایط خاصی را مطرح نکرده باشد عمل دولت بدون توجه به عنصر تقصیر معیار و ملاک مسؤولیت قرار می‌گیرد (Barnidge, 2006. p.1-42, at2) برای مثال ماده دو کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی^۱ معیار تقصیر را مبنای مسؤولیت دولت قرار می‌دهند. از این رو دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی فوریه سال ۲۰۰۶ میلادی خود در دعوی بوسنی و هرزگوین علیه صربستان احراز عنصر تقصیر را لازم و ضروری دانست^۲ (Cassese, 2008, p.105).

در حقوق بین‌الملل محیط زیست در رابطه با مسؤولیت مبتنی بر تقصیر می‌توان موقعیتی را تصور کرد که دولت منشاء خسارات زیست محیطی به‌طور متعارف بروز خسارت زیست محیطی را از قبل پیش‌بینی کرده است و یا می‌توانسته پیش‌بینی کند و بر اساس این پیش‌بینی از بروز آن پیش‌گیری کند، اما به عمد و یا از روی بی احتیاطی چنین نکرده است. بنابراین اگر دولت قربانی بتواند چنین عمد یا بی احتیاطی را اثبات کند، می‌تواند دولت منشاء را مسؤول جبران خسارت زیست محیطی وارده

۱. Article 2 Convention on the Prevention and Punishment of the crime of Genocide 1884 Available at <http://www1.umn.edu/humanrts/instree/x1cppcg.htm>. pp.1-4 at 1.

۲. Case Concerning the Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro).

بداند. در حالی که در رابطه با خسارات زیست محیطی، قربانی برای اثبات تقصیر دولت منشاء خسارت باید احاطه کافی و کامل بر مسائل تکنیکی و فنی و نیز شرایط حاکم بر فعالیت منشاء خسارت زیست محیطی داشته باشد. چنین احاطه‌ای در اغلب موارد بسیار دشوار و در مواردی غیر ممکن است. از سوی دیگر با توجه به این که در حقوق بین‌الملل محیط زیست هدف از مسؤل شناختن دولتها نه مجازات و تنبیه آنها بلکه جبران خسارت زیست محیطی است، بنابراین به نظر می‌رسد اثبات تقصیر دولت ضرورتی نداشته باشد و حتی نوعی نقض غرض نیز به شمار آید (Dixon, 2008, p.241). زیرا قرار دادن مسؤولیت بر مبنای تقصیر دایره مسؤولیت دولتها را بسیار محدود می‌کند و این امر با توجه به ماهیت فعالیت‌های ایجاد کننده خسارت زیست محیطی و نیز ماهیت خسارات مطلوب به نظر نمی‌رسد. همچنین نگاهی اجمالی به رویه قضایی بین‌المللی و رویه دولتها در حقوق بین‌الملل محیط زیست این نتیجه را به دست می‌دهد احراز عنصر تقصیر به ندرت به عنوان یکی از عناصر لازم برای احراز مسؤولیت دولت در رابطه با خسارات زیست محیطی در نظر گرفته شده است (Birnie, 2003, p.58-62).

۲-۴. مسؤولیت مطلق

شق دوم مسؤولیت مبتنی بر عمل تخطی آمیز، «مسؤولیت مطلق» و یا «مسؤولیت عینی» است. این مفهوم معنای عام‌تری نسبت به مسؤولیت مبتنی بر تقصیر را در خود دارد. بر اساس این مفهوم دولت مرتکب عمل تخطی آمیز بین‌المللی به صرف وقوع چنین عملی و صرف نظر از این که آیا در ارتکاب آن عمد و یا غفلتی داشته است متحمل مسؤولیت بین‌المللی است (Dinstein, 2005, p.98). در این حالت دولت زیان‌دیده در مطالبه خسارت نیازی به اثبات تقصیر ندارد و صرف اثبات وقوع عمل تخطی آمیز و انتساب آن به دولت متخلف برای احراز مسؤولیت بین‌المللی کافی است.



بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی بر این اعتقادند که مسؤولیت مطلق بر اساس قواعد پذیرفته شده بین‌المللی بر مسؤولیت مبتنی بر تقصیر برتری نسبی دارد. اما این بدین معنا نیست که تقصیر هرگز برای اثبات مسؤولیت در یک مورد خاص و ویژه مورد نیاز نیست. درحالی‌که چنین شرطی هنوز هم در رابطه با یک تعهد خاص و برای مثال از طریق یک مقرر در معاهده ممکن است مبنای مسؤولیت قرار گیرد. به هرحال این شرط، شرطی که از سوی قواعد مسؤولیت بین‌المللی تحمیل شود، نیست. از سوی دیگر مسؤولیت مطلق نیز در حقوق بین‌الملل به عنوان یک اصل کلی کماکان مورد پذیرش قرار نگرفته است. بنابراین مسؤولیت بین‌المللی در مواردی می‌تواند مطلق باشد و در موارد دیگر نیاز به عمد یا غفلت داشته باشد. در حقوق بین‌الملل محیط زیست مسؤولیت مطلق مبنای مناسبی برای مسؤولیت بین‌المللی دولت در نظر گرفته شده است و اسناد بین‌المللی زیست محیطی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند (Ferrey, 2001, p.111-112).

۵. قواعد حقوق بین‌الملل کیفری در باب مسؤولیت دولتها ناشی از

تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

در رایزنی نمایندگان دولتها در اجلاس ۱۹۹۸ رم راجع به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، این نکته تأکید شد که کاربرد سلاح هسته‌ای با توجه به حجم عظیم کشتار بدون تفکیک رزمنده از غیر رزمنده که با تخریب گسترده اماکن غیرنظامی، تخریب و آلودگی وسیع محیط زیست با اثرات زیان بارودراز مدت توأم باشد، برخلاف مقررات حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید دارای ضمانت اجرای کیفری باشد (دستمالچی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). این آرمان در فقره ۴ بند (ب) در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز منعکس است. علی‌الاصول جنایت جنگی عملی است شامل انجام عمدی حمله‌ای با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا

آسیب به غیر نظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد.

همزمان پارلمان و شورای اروپا در سال ۲۰۰۸ برای اجرایی کردن کنوانسیون استراسبورگ ۱۹۹۸ در حمایت از محیط زیست به یک توافق برای اعمال مجازاتهای کیفری رسیدند.

اگر اندکی تأمل کنیم در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اعمال مجازات فقط در زمان مخاصمات مسلحانه و ارتکاب جنایات جنگی مقدور است. بدون شک هدایت مجازاتها و جرم انگاری تخریب محیط زیست به مثابه جنایات علیه بشریت از طریق اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و یا تأسیس یک دیوان ویژه محیط-زیست تحت عنوان دیوان بین‌المللی محیط زیست پاسخگوی خواست بشریت برای حفاظت از محیط زیست است. بنابراین تعیین مجازات برای مرتکبین تخریب محیط زیست و آلوده کنندگان هوا و فضا مخل نظم عمومی بین‌المللی است و باید در قالب جرائم علیه بشریت عملی شود، چراکه ارتکاب اینگونه اعمال مغایر باحیاط ملت‌ها و مخل نظم عمومی بین‌المللی است. در عمل ثابت شده که مقررات مختلف در کنوانسیونها و اسناد بین‌المللی راجع به حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ

۱. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۸ در استراسبورگ فرانسه کنوانسیون بی‌تصویب دول اروپایی رساند که در آن هدف از اعمال تدابیر کیفری برای محیط زیست، تأثیر آن در پیشگیری از آلودگیهای زیست محیطی عنوان شده است. این کنوانسیون تعهد کشورها را از طریق حمایت کیفری و تعقیب و مجازات عاملان ورود آلودگیهای مختلف و فرامرزی و در چارچوب اصل پیشگیری مورد پوشش قرار می‌دهد. در راستای اصل پیشگیری ماده ۲ آن اشعار می‌دارد: دولت‌های عضو متعهدند تا تدابیر مناسب و ضروری را با جرم انگاری آلودگیهای زیست محیطی در نظام حقوقی داخلی خود وارد نمایند. پیش بینی و تصویب قوانین مناسب داخلی در تحقق پیشگیری از ابراد صدمات زیست محیطی بین‌المللی نقش مؤثری خواهد داشت و به کاهش جرائم بین‌المللی (در چارچوب این کنوانسیون) نیز کمک خواهد کرد.



ناکارآمد است (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰) و ضرورت دارد که این مقررات با وصف کیفری بین‌المللی و توسط یک نهاد جدید التاسیس و ویژه اعمال شود.

البته اعطای وصف کیفری به مقررات بین‌المللی بی‌سابقه نیست، عهدنامه‌ای در ۱۸۸۲ در لاهه با موضوع تنظیم صید در دریای شمال تصویب شد که برای دول متخلف مجازاتهای سنگین پیش‌بینی کرده بود. بعدها عهدنامه ۱۹۶۷ لندن جانشین عهدنامه ۱۸۸۲ لاهه شد که در اعمال ضمانت اجراهای کیفری تأکید ورزید که منجر به افزایش میزان آبریزان در اقیانوس اطلس و این رویه صحیح و مستمر در شکار آبریزان شد (حسینی نژاد، ۱۳۷۳، ص ۲۶۷).

پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری که در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسیده که در ماده ۲۶ صدمات وارده عمدی و شدید به محیط زیست را به‌عنوان یکی از مصادیق جنایات اخیر لحاظ نموده و مقرر می‌داشت که عامل عمدی ورود خسارت گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست اعم از آمر یا مأمور بعد از رسیدگی قضای کیفری به مجازات خواهد رسید با لحاظ ماده ۱۳ قانون اخیر که وجود سمت رسمی حتی تحت عنوان رئیس کشور یا دولت رافع مسؤولیت کیفری نیست (پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری، ۱۳۷۳، ص ۴۷۱).

بدون شک محیط‌زیست به‌عنوان مظلوم‌ترین قربانی پیشرفت فناوری و علوم و به‌عنوان یک مفهوم مشترک عمومی مستحق حمایت کیفری همه‌جانبه است (زمانی، ۱۳۸۱، ص ۴۳) تخریب محیط‌زیست از این جهت که ارتکاب آنها جزو جرائم سنگین حقوق بشری محسوب می‌شود این قابلیت را دارد که موجب تحقق مسؤولیت بین‌المللی از نوع کیفری شود، همانند نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و شکنجه (کامینگا، ۱۳۸۲، ص ۶۷). وقتی نتیجه ارتکاب اینگونه جنایات انهدام جمعی بشر در کوتاه مدت است، چرا باید تخریب و آلودگی محیط زیست را که دارای نتایج یکسان با این جنایات است در این مقوله به حساب نیابد؟ (Dorman, 2003, p.161)

وقتی که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در حال تدوین بود دو کشور سوئیس و نیوزلند پیشنهاد کردند که دول مذاکره کننده خسارات وارده به محیط زیست و آلودگی را به عنوان یک جنایت مستقل محسوب نمایند. معهذا این خواسته پذیرفته نشد و آسیب وارده به محیط زیست به‌عنوان یک جنایت در زیر مجموعه جنایات جنگی احتساب شد (دیهم، ۱۳۸۰، ص ۴۱۰). به این صورت که انجام عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای سبب تلفات جانی با صدمه به غیر نظامیان و خسارت به اهداف غیرنظامی یا خسارات گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه فایده نظامی محسوس و مستقیم مورد انتظار از آن بیش از حد می‌باشد جنایت جنگی محسوب می‌شود، اما اگر برخی از حقوق و تعهدات حفاظت از محیط زیست نقض شود که با تخریب یا آلودگی محیط زیست و انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری همراه شود جرم اکوساید بوقوع می‌پیوندد؛ بنابراین ارتکاب هر دو جرم، جنایت بین‌المللی تلقی می‌شود که باعث متأثر شدن کلیت جامعه بین‌المللی است که توجیه کننده اعمال صلاحیت جهانی در مواجهه با اینگونه جنایات ضد بشری است (Falk, 1984, p.31).

کمیسیون حقوق بین الملل در پیش نویس طرح مسؤولیت دولتها در سال ۱۹۹۶ در فقره ج بند ۲ ماده ۱۹ به ذکر مصادیق جنایات بین‌المللی پرداخته بود و آلودگی گسترده دریاها را همسان تجاوز، بردگی، نسل کشی و آپارتاید و استعمار قرار داده و مستوجب مجازات شناخته بود. بر اساس ماده ۱۹ این طرح چنانچه هر دولتی تعهدی را که کل جامعه بین المللی برای حفظ منافع اساسی خود، حیاتی تلقی می‌کند نقض کند، مرتکب جنایت بین‌المللی شده است که متأسفانه این ماده حذف و مورد تصویب قرار نگرفت (Schmitt, 1997, p.36-50). لیکن ایده این ماده که همانا پذیرش ضمانت اجراهای کیفری حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه بود



بعداً توسط دیگر اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به شرح پیش‌گفته مورد پیگیری قرار گرفت.

تجربه تأسیس نهاد دادستانی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند در خصوص نهاد قضائی دیگری که دارای صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های زیست-محیطی باشد تکرار شود (عبداللہی، ۱۳۸۲، ص ۵۱). قضایایی که می‌توانند به عنوان سنگین‌ترین جنایات مرتبط با جامعه بین‌المللی مطرح شود (دوپوی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۴) دولت‌ها مکلفند با لحاظ تعهدات بین‌المللی راجع به حفاظت از محیط زیست تدابیری را اتخاذ کنند که از گسترش آلودگی، تخریب محیط‌زیست و ماندگاری سموم و انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی جلوگیری کنند.

بدون شک بی‌توجهی دولت‌ها به جرم انگاری تخلفات زیست محیطی استمرار، نقض تعهدات اساسی و بنیادین خواهند شد (Marcos, 2005, p. 673). بدیهی است در صورتی که این اقدامات معمول نگردد نقض تعهدات به نحو اعم و ارتکاب جنایت بین‌المللی به طور اخص استمرار خواهد یافت. برای داشتن محیط زیست سالم بعنوان یکی از حقوق بارز همبستگی باید بسوی ساختارهای قضائی حرکت کنیم (زمانی، ۱۳۸۱، ص ۷۸) و به این سمت گام برداریم که به سازمانهای بین‌المللی این توانائی و صلاحیت را اعطاء کنیم که قادر باشند با بحرانهای حادث در جوامع انسانی که با نقض تعهدات عام نظیر گسترش آلودگی یا تخریب محیط زیست توأم است تحت عنوان جرائم بین‌المللی کیفری مقابله کنند. به نظر می‌رسد اختصاص یک تبصره به جرائم زیست‌محیطی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ممانعت کشورها از تخریب محیط زیست چندان کارآمد نخواهد بود؛ به‌ویژه که عضویت کشورها شرط رسیدگی به این نوع تخلفات است (Drumbl, 2009, p. 206).

تأسیس شعبه ویژه مختص موضوعات زیست محیطی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۸۷ که در سال ۲۰۰۶ منحل شد معطوف به جنبه‌های حقوقی

اختلافات بین کشورهاست و جا دارد یک دیوان جدید که صلاحیت جهانی داشته و قابلیت رسیدگی قضایی کیفری و مدنی داشته باشد تأسیس شود که شاخه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل نظیر حقوق بین‌الملل دریا، حقوق بین‌الملل هوا فضا، حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشر را در رسیدگی لحاظ کند، به تجربه ثابت شده که دیوان کیفری بین‌المللی از بدو تأسیس تاکنون علی‌رغم وقوع خسارات زیست‌محیطی نسبت به محیط زیست کاملاً بی تفاوت بوده و هست (Drumbl, 1998, p.122,145).

۶. نتیجه‌گیری

در عصر حاضر این امر به عنوان یک اصل کلی مورد پذیرش همگان است که تعهد به حمایت و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یک تعهد بین‌المللی برای همه دولت‌ها است. تعهد بین‌المللی که نقض آن مسؤولیت بین‌المللی دولت مربوطه را به دنبال دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت شرایط احراز مسؤولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مبتنی بر چهار مورد ذیل است:

الف) نقض یک تعهد زیست محیطی بین‌المللی در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی؛
ب) بروز یک خسارت زیست محیطی مادی و فیزیکی بالاتر از سطح استاندارد بین‌المللی در صورت نقض تعهد زیست محیطی مورد نظر در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی؛

ج) احراز رابطه سببیت بین خسارات زیست محیطی با نقض تعهد زیست محیطی مورد نظر در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی؛

د) قابلیت انتساب نقض تعهد زیست محیطی به دولت در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی.



در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در اغلب موارد چنانچه دولت تعهدات زیست محیطی خود را در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در پرتو اصل انجام وظیفه به نحو احسن انجام ندهد، مسئولیت دولت در خصوص عمل تخطی‌آمیز بین‌المللی صرف نظر از بی‌احتیاطی و یا عنصر عمد محرز می‌شود. صرف اثبات ورود خسارت و اثبات رابطه سببی بین خسارت وارده و عمل دولت منشاء خسارت برای تحمیل نمودن مسئولیت بر دولت منشاء خسارت کافی است.

بنابراین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست در عصر حاضر به طور کلی تابع قواعد کلی مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل عمومی است و این در حالی است که با توجه به پیشرفت چشمگیر حقوق بین‌الملل محیط زیست در دهه‌های اخیر، تدوین و توسعه قواعد مسئولیت بین‌المللی خاص در جهت تضمین هر چه بیشتر اجرای تعهدات زیست محیطی بین‌المللی در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی با بررسی قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از تخریب محیط‌زیست در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری می‌توان به این نتیجه رسید که تلاش برای کیفری نمودن نقض ارزش‌های بین‌المللی نظیر مراقبت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نتیجه تحولات ۶۰ ساله اخیر است. با این حال هنوز هم یک دادگاه با دیوان بین‌المللی صرفاً تخصصی که قادر به واکنش نسبت به تخریب محیط زیست باشد تأسیس نشده و این خلاء هنوز هم وجود دارد.

با وجود این برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و حمایت مستمر از آن در در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی استفاده سازوکارهای کیفری از کارآمدترین شیوه‌ها برای حمایت از محیط زیست است. بدیهی است فشار افکار عمومی برای اعمال سازوکارهای کیفری از اهم ابزارهای مهم در جهت جدی گرفتن تعهد حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که با تعقیب کیفری و

تحمیل ضمانت اجرای کیفری در قلمرو بین‌المللی توأم خواهد بود و نتایج مثبتی را در جهت کاهش یا توقف تخریب محیط زیست در بر خواهد داشت که نتیجه آن این خواهد بود که هر دولتی که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی عمداً موجب ورود خسارات گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست طبیعی گردد، دارای مسئولیت کیفری و ملزم به جبران خسارات وارده خواهد بود. تلاش جامعه بین‌المللی باید تدارک سازوکارهای اجرائی برای عملیاتی کردن مقررات مدون راجع به حفاظت از محیط زیست باشد. با توجه به مراتب مذکور به نظر می‌رسد حوزه حقوق بین‌الملل کیفری به لحاظ حفاظت از محیط زیست در مخاصمات از قوه‌الزام آور و ظرفیت بالاتری نسبت به حقوق بین‌الملل محیط زیست برخوردار است که البته باید به فعلیت بیشتری دست پیدا کند.

۷. منابع

۱-۷. فارسی

۱. بختیاری اصل، فریبرز، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲. پیش نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱. مجله حقوقی، شماره ۱۸ و ۱۹، ۷۴، ۱۳۷۳.
۳. دستمالچی، اصغر، دیوان کیفری بین‌المللی رویای شیرین و واقعیت تلخ در کتاب دیوان کیفری بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به اهتمام استحاق الی حبیب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴. دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. دوپوی، پیر ماری، قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی کیفری و قواعد آمره، ترجمه سیدعلی هنجنی، مجله حقوقی، شماره ۳۲، ۱۳۸۴.



۶. حسینی نژاد. حسینقلی، حقوق کیفری بین الملل، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۷. زمانی، سید قاسم، توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۱.
۸. زمانی، سید قاسم، استقرار دیوان کیفری بین المللی، بیم‌ها و امیدها، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۱.
۹. زمانی، سید قاسم، جرم انگاری تخریب محیط زیست در حقوق بین الملل در کتاب حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها) به اهتمام احمد علی محسن زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۰. عبدالمهی، محسن، چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین المللی، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال دوم، شماره ۳۳، ۱۳۸۲.
۱۱. کامینگا، منوتی، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری، ترجمه محمد جواد شریعت باقری، مجله حقوقی، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.
۱۲. کنعانی، محمد طاهر، سیاه رستمی، هاجر و حسین نژاد، کتایون، حقوق بین الملل بشر دوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، انتشارات دالاهو تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۳. ویس. ادیت براون، حفاظت از محیط زیست و حقوق نسل‌های آینده در پرشورای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، ترجمه نادر ساعده سال پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۸۰.

۱-۷. انگلیسی

14. Barnidge, Robert P., The Due Diligence Principle under International Law international community law review, no 8.2006.
15. Birnie.Boyle, international law and Environment, oxford, 2003.
16. Cassese Antonio, international criminal law, 2nd edn, oxford/new york/auckland etc 2008.

17. Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive under 400. Grammes Weight Projectiles Petersburg, at: Available at: <http://www.cicr.org/ihl.nsf/WcbPrint/130-full.openndocument.1886>.
18. Dinstein, Yoram, the conducts of hostilities under the law of international armed conflict, Cambridge university press, 2005.
19. Dixon, Rodney, Article 7 para. 1 chapeau, Crimes Against Humanity, in: Triflixrer Otto (ed), Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court- Observers Notes, 2 edn, Munich 2008.
20. Dorman, Knut, Elements of War Crimes under the Rome statute of international criminal court, sources and commentary, ICRC, 2003.
21. Drumbl, Mark. International Human Rights, international Humanitarian law and Environmental security can the interntional Criminal Court Bridge the Gap. -1, In <http://www.nislaw.com>, Nova, cdu/student 2009.
22. Drambl, Mark, Waging war against the world: the Need to move from comes to Encironmental crimes, 22 forham.int.L.L.J.1998.
23. Falk, Richard A, Environmental Disruption by Military Means and aernational law, in Environmental warfare: A Technical, legal and policy Appraisal, 1984.
24. Ferrey. Steven, Environmental law second edition.aspen law and business, 2001.
25. Hylan, Heval, Protection of the Environment as a Result of the Use of Chemical Weapons: AnalysisOf the Relevant Law. Available at: www.kurdistanica.com/halabja/en/articles/article-009.pdf, 2012.
26. Marcos A. orcllna, Criminal punishment for Environmental Damage: Individual and state Responsibility at a cross road, 17. gro.Int.Lenvtl.L.Review, 2005.
27. Schmitt, Michael N., Green war: An Assessment of the Environmental law of interational armed conflict.22. YILJ.1997.
28. United Nations Environment Programme, Training Manual on International Environmental Law Available at: <http://www.unep.org>, 2009.

29. United Nations Environment Programme, Protecting the Environment during Armed Conflict: An Inventory and Analysis of International Law, 2009.

